

پژوهش در تاریخ، سال دهم، شماره ۲۷ و ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۹۹

## آندراگوراس، حاکم سلوکی پارت-هیرکانیا و سکه‌های او<sup>۱</sup>

مارک یان البریخت<sup>۲</sup>

ترجمه علیرضا خزایی<sup>۳</sup> و میلاد داوطلب<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۴

ما آندراگوراس را از یک یادداشت مندرج در تاریخچه رومی، که توسط یوستین (41.4.6-8) نوشته شده است، می‌شناسیم که می‌گوید این فرماندار توسط ارشک اول، مؤسس دولت ارشکانی، کشته شد.<sup>۵</sup> ارشک اول، زمانی که خبر شکست خوردن سلوکوس دوم از گل‌ها در آنکورا در آسیای صغیر را شنید، به پارت حمله کرد<sup>۶</sup> (Iust. 41.4.6-8). در منابع لاتین، معمولاً عنوان فرماندار<sup>۷</sup> برابر است با عنوان استراتیگوس<sup>۸</sup> در ساختار اداری سلوکیان. اما این احتمال

<sup>۱</sup>. مقاله حاضر ترجمه‌ای است از:

Marek Jan Olbrycht (2020), "Andragoras, a Seleukid Governor of Parthia-Hyrkania, and his Coinage," *Dabir (Samuel Jordan Center for Persian Studies and Culture Journal)*, No. 7, pp. 192-200.

<sup>۲</sup>. Marek Jan Olbrycht, Rzeszow University, Poland.

<sup>۳</sup>. پژوهشگر گروه تاریخ، پژوهش‌سرای دانش‌آموزی بوعلی‌سینا، ملارد، alireza.o.kh@gmail.com

<sup>۴</sup>. دانشجوی کارشناسی راهنمایی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مفتح شهر ری،

Milad.davtalab123@gmail.com

<sup>۵</sup>. برای اطلاع بیشتر درباره آندراگوراس بنگرید به:

Wolski, 1969; 1975; Lerner, 1999: 13-31; Balakhvantsev, 2005; Bivar, 2005; Olbrycht, 2013.

<sup>۶</sup>. یوستین (12.4.12) به همان آندراگوراس اشاره دارد، اگر چه به نظر این گزارش از نظر گاه‌شناسی آشفته است:

"*Hic solitus latrocinii et raptu vivere accepta opinione Seleucum a Gallis in Asia victum, solutus regismetu, cum praedonum manu Parthos ingressus praefectum eorum Andragoran oppressit sublatoque eo imperium gentis invasit.*"

<sup>۷</sup>. praefectus

<sup>۸</sup>. strategos

نیز وجود دارد که منظور یوستین از فرماندار، در این مورد، اشاره به ساتراپ<sup>۱</sup> بوده باشد. در یک کتیبه یونانی نیز، که در سال ۱۹۵۹ میلادی در استان گرگان<sup>۲</sup> (هیرکانیای باستان) کشف شده، از یک مقام رسمی سلوکی به نام آندراگوراس نام برده شده است (SEG 20-; Olbrycht, 2013; SEG 49-2440 (1973); SEG 325 (1964)). به احتمال زیاد، هر دو اشاره یوستین و کتیبه می‌بایست به یک فرد بوده باشد.

در اواخر عصر هخامنشی و در دوران هلنیستی، پارت به همراه هیرکانیا یک استان اداری واحد را تشکیل می‌دادند. این ساتراپی بزرگ و وسیع شامل خراسان ایران، منطقه گرگان و جنوب ترکمنستان بود. منابع متعددی به این واقعیت اشاره می‌کنند که پارت، میان سال‌های ۲۴۰-۲۵۰ پیش از میلاد، از امپراتوری سلوکی جدا شد (Olbrycht, 1998: 51-76). آنچه را که ما عمدتاً برای این تغییر تاریخی در نظر می‌گیریم این است که حاکم کوچ‌نشین، یعنی ارشک، با تهاجم خود موفق به شکست دادن آندراگوراس و کشتن او شده است، اما نکاتی نیز در اینجا وجود دارند که نشان می‌دهند خود آندراگوراس علیه حکومت سلوکی قیام کرده بود و سعی در ایجاد یک ناحیه مستقل داشت. مورخ رومی، آپیان (Syr. 65)، می‌گوید که اشکانیان<sup>۳</sup> با استفاده از موقعیت پیش آمده به علت اختلافات داخلی سلوکیان، که ناشی از جنگ لائودیکه (که در سال ۲۴۶ پیش از میلاد آغاز شد) بود، شورش<sup>۴</sup> به راه انداختند. ی. ولسکی معتقد است که گزارش آپیان به شورش آندراگوراس، ساتراپ پارت، علیه سلوکیان حدود ۲۴۵ پیش از میلاد اشاره دارد (Wolski, 1956/7: 38-39). با این حال مورخ رومی مشخص نمی‌کند که آیا این شورش آندراگوراس بوده است یا خیر. ظاهراً گزارش مذکور به لشکرکشی ارشک اول، که باید در اواخر دهه ۲۴۰ پیش از میلاد به وقوع پیوسته باشد، اشاره دارد.

---

<sup>۱</sup>. satrap (σατράπης)

<sup>۲</sup>. در این مقاله نویسنده اصلی، به جای استفاده از عبارت استان گلستان، از عبارت استان گرگان استفاده کرده است. (مترجمان)

<sup>۳</sup>. Parthyaioi

<sup>۴</sup>. apostasis

<sup>۵</sup>. برای اطلاع بیشتر از نبرد لائودیکه بنگرید به: Lehmann, 1998.

آندراگوراس به نام خود سکه‌هایی ضرب کرد که البته در آن‌ها از عنوان پادشاه استفاده نکرده است (D'iakonov / Zeimal', 1988; Koshelenko / Gaibov / Bader, 1999). با نگاه به واقعیت‌های سیاسی آن زمان، ضرب سکه توسط یک فرماندار نشانگر تمایل آن فرد برای کسب استقلال بود، همانند نمونه‌هایی که در بلخ و پارس وجود داشت. علاوه بر این‌ها، آندراگوراس بر روی سکه‌های خود با یک دیهیم به تصویر کشیده شده است که در آن زمان، نمادی سلطنتی محسوب می‌شد.<sup>۱</sup> شواهد سکه‌شناختی نیز چهره یک والی سرکش را از آندراگوراس به نمایش می‌گذارند. این احتمال نیز وجود دارد که شورش آندراگوراس در واقع به دنبال توافقی میان ساتراپ و نخبگان پارسی ایرانی، که علاقه‌مند بودند تا از کشور خود در برابر خطرات احتمالی بهتر حفاظت کنند، رخ داده باشد. تهدید اصلی عبارت بود از حمله کوچروهای ساکن در دشت‌های شمال کپه‌داغ (جنوب ترکمنستان مدرن) به شمال پارت-هیرکانیا (Strabo 11.8.3; Olbrycht, 1998: 46-47).

سکه‌های شناخته‌شده آندراگوراس شامل دو گونه‌ی طلائی (استاتر) و نقره‌ای (چهاردرهمی) هستند (Mitchiner, 1975: 19-20). در این مقاله ما به سکه‌های طلائی پردازیم. بر روی این استاترها<sup>۲</sup> نام ANΔPAΓOΠOY (بدون هیچ عنوانی) به یونانی نوشته شده است. تا به امروز شش استاتر از آندراگوراس شناسایی شده که حداقل یکی از آن‌ها همراه با چهاردرهمی‌ای<sup>۳</sup> از آندراگوراس از گنجینه‌ای موسوم به اُکسوس<sup>۴</sup> در بلخ کشف شده است.<sup>۵</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> برای اطلاع بیشتر درباره دیهیم بر سکه‌های آندراگوراس بنگرید به: Mitchiner, 1975: type 19. برای آگاهی از

کارکرد دیهیم در دوران هلنیستی بنگرید به: Olbrycht, 2014.

<sup>۲</sup> نوعی سکه از جنس طلا یا نقره در یونان باستان. (مترجمان)

<sup>۳</sup> چهاردرهمی نوعی سکه نقره‌ای در یونان باستان است. (مترجمان)

<sup>۴</sup> Oxos

<sup>۵</sup> برای اطلاع بیشتر درباره استاترهای آندراگوراس بنگرید به:

Mitchiner 1975, 19 (Type 19); *Numismatic Fine Arts* 25, 1990, lot 202; Olbrycht, 2013.

اخیراً نمونه سکه طلای دیگری در بازار پدیدار شد که گفته می‌شود از گنجینه دوم میرزکه، که در افغانستان کشف شده، آمده باشد.<sup>۱</sup> تصاویر استاتر مشخصاً سر یک مرد ریش‌دار است همراه با پیشانی‌بند (نیم‌تاج)، در پشت سکه نیز یک الهه بالدار و یک مبارز ارابه‌ران دیده می‌شوند. روی سکه هم‌چنین یک طغرا هست که متشکل است از حروف H و A و P یونانی (D'iakonov/Zeimal', 1988: 5).



تصویر شماره ۱: استاتر آندراگوراس، فروش رسیده در CNG؛  
(<https://www.cngcoins.com/Coin.aspx?CoinID=222688>)

---

۱. این سکه در سال ۱۹۹۴ میلادی توسط بویپراچی (Osmund Boppearachchi) دیده شد و در حراجی CNG به فروش رسید. در توضیحات حراجی مذکور از دو استاتر دیگر آندراگوراس گفته می‌شود که ظاهراً متعلق به گنجینه میرزاکای افغانستان هستند. با این حال نمی‌توان این موارد را اثبات کرد. برای اطلاع بیشتر بنگرید به:  
<https://www.cngcoins.com/Coin.aspx?CoinID=222688>.

بر روی استاتر آندراگوراس، ارابه به سمت راست چرخانده شده و به صورت نیمرخ نمایش داده شده است. سواران بر ارابه نیز دو نفر هستند: یک ارابه‌ران (نیکه؟) و یک جنگجو در پشت سر او. مرد داخل ارابه احتمالاً آندراگوراس باشد؛ چرا که دارای ریشی بلند است و زرهی همراه با یک کلاه کورباسیایی<sup>۱</sup> نوک‌تیز به سر کرده است. شکل بالدار نیز ممکن است اشاره به نیکه، الهه پیروزی، داشته باشد.

تصویر ارابه به ندرت بر سکه‌های سلوکی قابل مشاهده است و در مواردی منحصراً فقط چهار ردیف فیل ضرب شده‌اند. یک نمونه از ارابه‌هایی که توسط فیل کشیده می‌شوند بر سکه‌هایی از سلوکوس اول قابل مشاهده است<sup>۲</sup> (SC I, 1, nos. 130-133, 177-180, 259-263, 272-283) که آتنا، نیزه و سپر در درست، ارابه را هدایت می‌کند. چند سکه برنزی متعلق به سلوکوس دوم (۲۴۶-۲۲۳ پیش از میلاد)، که در یک ضرابخانه غربی ضرب شده، به دست آمده که نیکه را سوار بر یک ارابه و با تاج گلی بر سر ترسیم می‌کنند، اما تصویر روی سکه، که پوزیدون را نشان می‌دهد، به یک پیروزی دریایی مربوط است و این تصویر از آن دسته موضوعاتی است که برای مناطق شرقی ایران غیر عادی است و این نوع از سکه‌ها را تحت عنوان «موارد غربی غیر قابل توصیف» طبقه‌بندی می‌کنیم (SC I, 1, no. 738). بنابراین نقوش نشان‌دهنده ارابه چهاراسب کمتر در سکه‌های سلوکی در مناطق شرقی مشاهده شده و همچنان پدیده‌ای حاشیه‌ای در مجموعه بسیار غنی سکه‌های سلوکی به حساب می‌آید. ظاهراً آندراگوراس در نمادنگاری اش مبتکر بوده و این نقوش را آگاهانه انتخاب کرده و او به سختی می‌توانسته نمونه‌های اولیه سلوکی، ضرب شرق فرات، را در اختیار داشته باشد.

در فرهنگ یونانی-مقدونی، نیکه سوار بر ارابه‌ای چهاراسب نماد پیروزی نظامی بود. اما در سنت ایرانی، نماد خدایانوی مسلح و زره‌پوش، به وضوح، به آناهیتا (اردوی سورا آناهیتا) اشاره دارد.<sup>۳</sup> چنین تفسیری ممکن است برای درک برنامه سیاسی آندراگوراس ضروری باشد. بنابر

<sup>۱</sup>. kyrbasia

<sup>۲</sup>. در سلوکیه کران دجله، شوش، یک ضرابخانه نامعلوم (احتمالاً ضرابخانه بلخ یا یک ضرابخانه نامعلوم دیگر در ساتراپی‌های شرقی) و آی‌خانم ضرب شده است.

<sup>۳</sup>. برای اطلاع بیشتر درباره آناهیتا و موارد بیشتر بنگرید به:

Chaumont, 1985; de Jong, 1997: 268-86; Colpe (ed.), 1986: 275-286; Brosius, 1998.

مندرجات اوستا، اردوی سورا آناهیتا ارابه‌ای چهاراسب را می‌راند و آن اسب‌ها نشان‌دهنده باد، باران، ابر و تگرگ هستند (Yast 5.120; 5.11). این صحنه نمایانگر شاهزاده سوار بر ارابه‌ای است که توسط آناهیتا هدایت می‌شود و این نمادی از یک پیروزی نظامی و پشتیبانی الهی برای حاکم است. در زمان هخامنشیان، آناهیتا با مفهوم قدرت سلطنتی پیوند داشت؛ چنانکه اردشیر دوم هخامنشی (Plut. Artox. 3.1-2) در نیایشگاه آتنا، یعنی آناهیتا، تاجگذاری کرد. او آیین وی را توسعه داد، برایش نیایشگاه‌هایی ساخت و مجسمه‌های او را در شهرهای مختلف شاهنشاهی نصب کرد. بنابر گزارش بروسوس، آیین دینی مجسمه‌های «آفرودیت آنایتیس» را اردشیر معرفی کرد. او اولین کسی بود که تندیس «آفرودیت آنایتیس را در بابل، شوش، هگمتانه، پارسه (تخت جمشید)، بلخ، دمشق و سارد برپا کرد و طرز پرستش آن را نشان داد» (BNJ 680 F11). هرودت (۱.۱۳۱.۳) آفرودیت را با آناهیتا یکی گرفته است (de Jong, 1997: 103-10). نام آناهیتا در برخی از کتیبه‌های فارسی باستان آمده است ( $A^2 Sa$ ;  $A^2 Sd$  and  $A^2$ ) (Ha; Kent, 1953: 154-155). دوره هلنیستی دوره‌ای است که در آن شاهد ترکیبی از سنت‌های مختلف در مورد آیین آناهیتا در ایران و خاور نزدیک هستیم؛ مسئله‌ای که تحت تأثیر پرستش خدایانوهایی همچون ایشتار، آرتمیس، آفرودیت و نانا<sup>۱</sup> بوده است. در خود منطقه پارت و در دوران اشکانی، خدایانو نانا/ نانا مورد پرستش قرار می‌گرفت (Shenkar, 2014: 127). یکی از برجسته‌ترین نیایشگاه‌های آناهیتا در هگمتانه، تخت‌گاه هخامنشیان، قرار داشت. ایزیدور خاراکسی (Stathmoi 6) معبدی از آناهیتا را در هگمتانه تعیین (مقایسه شود با Polyb. 10.27) و محل نیایشگاه آرتمیس را در کنکوبار<sup>۲</sup> در ماد ذکر کرده است. پارت، که با ماد دارای ارتباط نزدیکی بوده (Iust. 41.2.3)، تقریباً می‌بایست شاهد همان تحولات مذهبی، شامل رواج پرستش آناهیتا و سایر خدایانوها، بوده باشد.

<sup>۱</sup>. Nanaia

<sup>۲</sup>. (مترجمان): کنکوبار نام کهن شهری است که امروزه به کنگاور موسوم است. برای اطلاعات بیشتر در این مورد نگاه کنید به نوشتاری به قلم یکی از مترجمان: علیرضا خزایی، ۱۳۹۸، «کنگاور، شهر آب و سنگ»، هفته‌نامه/مُرداد، شماره ۴۲۲، ص ۸.

در مورد ارابه چهاراسب حک شده روی استاتر آندراگوراس، شباهت نزدیکی از نظر ترکیب با برخی از سکه‌های فینیقی صیدا وجود دارد که یک پادشاه هخامنشی را پشت سر یک راننده سوار بر ارابه نشان می‌دهد که توسط اسب کشیده می‌شود (اواسط قرن چهارم ق.م) (D'iakonov/Zeimal', 1988: 10). سکه‌های لوانت مطمئناً در مناطق شمال شرقی ایران نیز شناخته شده بودند؛ چرا که آن‌ها به بلخ نیز حمل شده بودند و برخی از نمونه‌ها همراه با گنجینه آکسوس کشف شده‌اند<sup>۱</sup> (Dalton, 1964; Bellinger, 1962). نقش ارابه چهاراسب یادآور ارابه‌هایی است که بر سکه‌های ضرب‌شده به نام و خَشُور<sup>۲</sup> نقش شده‌اند<sup>۳</sup> (Coins of Vakhshuvar: NPIIN 382-383). این سکه‌ها، از نظر گاهشماری و انتساب، سؤالات زیادی را پدید آورده‌اند: اگرچه ممکن است که این سکه‌ها به آندراگوراس نسبت داده شوند، اما برخی از محققان معتقدند که آن‌ها متعلق به یک حاکم بلخی به نام و خَشور هستند (Mitchiner I, 1975, type 34). نقوش مربوط به ارابه‌های چهاراسب نقش شده بر سکه‌های آندراگوراس دارای تأثیرپذیری از عناصر سبک یونانی است که در دوران هلنیستی قابل درک و مرسوم است، چرا که نمادهای یونانی به شدت عناصر و نمادهای هنری آسیا را تحت تأثیر قرار داده بودند. سر ریش‌دار نقش‌شده روی استاتر آندراگوراس می‌تواند بازتاب‌دهنده زئوس یا خود ضرب‌کننده باشد.<sup>۴</sup> نظر دوم البته بسیار محتمل‌تر است، چرا که دیهیم روی سر، که به خوبی نیز قابل مشاهده است، از نشانه‌های زئوس نبوده است. استفاده از اینگونه دیهیم‌ها یک ویژگی شاهانه پسا هخامنشی در آسیا بوده است (Olbrycht, 2014). دیهیم آندراگوراس در تصویر نسبتاً باریک است و به همین دلیل تفسیر آن به عنوان نمونه‌ای از تاینیا<sup>۵</sup> (نوعی پیشانی‌بند یونانی) غیر ممکن است. تاینیا اصطلاحی است یونانی برای اشاره به نوعی از سربندهای

---

<sup>۱</sup>. اخیراً یک نمونه نیز در ساتراپی هخامنشی در ترمذ، در کنار آمودریا، در خاک ازبکستان کشف شده است (مکاتبات شخصی با A. Gorin در تاشکند).

<sup>۲</sup>. Vakhshuvar

<sup>۳</sup>. برای کسب آگاهی بیشتر از خلاصه اطلاعاتی که درباره سکه‌های و خَشور ارائه شده است بنگرید به:

D'iakonov/Zeimal', 1988; Mitchiner, 1975 I, 24, types 34-35.

<sup>۴</sup>. برای احتمال اینکه مرد ریش‌دار دیهیم به سر می‌تواند زئوس باشد، بنگرید به: Mitchiner 1975, I, 19.

<sup>۵</sup>. tainia

(پیشانی‌بند) یونانی که یونانیان در جشنواره‌ها آن‌ها را می‌بستند<sup>۱</sup> (Pl. *Symp.* 212d.e, 213d; Xen. *Symp.* 5.9). به عنوان یک سنت، تاینیا برای خدایان<sup>۲</sup> (Paus. 1.8.4)، تصاویر مذهبی (Paus. 8.31.8; 10.35.10) و مردگان (Luk. *Dial. mort.* 13.4) استفاده می‌شد. علاوه بر این‌ها، تاینیا نشانه پیروزی در رقابت نیز بوده است (Paus. 4.16.6; 6.20.10; 9.22.3; Diod. 17.101.2). البته این نکته نیز لازم به ذکر است که ما تصاویر زئوس با تاینیا را در اوایل دوران هلنیستی به ندرت مشاهده می‌کنیم. به صورت معمول چنین تصاویری در خاورمیانه دیده نمی‌شود. تصاویر نادری از زئوس به همراه تاینیا روی سکه‌های به دست آمده از سیسیل و آکراگاس میان سال‌های ۲۷۹-۲۴۱ پیش از میلاد وجود دارد (LIMC s.v. Zeus, no. 585; SNG ANS 1127). تصاویر زئوس همراه با یک پیشانی‌بند یا تاینیا معمولاً مربوط به اواخر دوران هلنیستی (قرن اول پیش از میلاد) و دوره امپراتوری روم هستند<sup>۳</sup> (LIMC s.v. Zeus, no. 418-420, 425, 426). بنابراین به سختی می‌توان تصویر روی سکه‌های آندراگوراس را زئوس با تاینیا دانست، زیرا در ابتدای دوران هلنیستی، تقریباً نمونه‌هایی برای چنین تصاویری در امپراتوری سلوکی و خارج از آن وجود ندارد.

برخی اوقات تشخیص مقصود حاکم و مسئولان ضرب‌خانه‌های سخت است، آن هم در زمانی که شکل‌های خاصی از نقوش هنوز به صورت گسترده توسعه نیافته بود. استفاده حاکمان دوران هلنیستی از دیهیم، پیروی از شیوه‌ای بود که اسکندر بزرگ آن را آغاز کرد و این شیوه نیز خود از هخامنشیان قرض گرفته و الگوبرداری شده بود. شکل دیهیم متنوع و گوناگون بود. در برخی موارد، آنچه محققان تاینیا فرض کرده‌اند در عمل به نظر می‌آید دیهیم باشد. مورد مهم استفاده از پیشانی‌بندها به عنوان نشانه قدرت بر سکه‌های متعلق به پرگامون در قرن سوم پیش از میلاد است. حاکم پرگامون، به نام فیلتایروس<sup>۴</sup>، سکه‌هایی را با نام و تصویر پادشاه فقید، سلوکوس اول، در یک سوی و نیز تصویری از آتنا نشسته در سوی دیگر ضرب کرد (SC

<sup>۱</sup> همچنین برای اطلاع از بازتاب آن در هنر یونانی، نگاه کنید به: Krug, 1967.

<sup>۲</sup> بنابراین و برای مثال، برخی از سکه‌های کشف شده از آمفیپولیس، که متعلق به اسکندر سوم و فیلیپ دوم هستند، سر آپولو را همراه با موهای بسته شده با تاینیا نشان می‌دهند. بنگرید به Price, 1991: 338.

<sup>۳</sup> چنین تصویرهایی بر سکه‌ها نیز صدق می‌کند. بنگرید به همان جا، شماره‌های ۵۷۸-۵۸۴.

<sup>۴</sup> Philetairos



309 (1.1). این سکه‌ها، که عنوان *Philetairou* را بر پشت دارند، رابطه سلسله آتالید و سلوکی‌ها و نیز مقاصد فیلتایروس را نشان می‌دهند: با این اعلامیه استقلال، یک گام سیاسی مهم در مسیر جدایی از حکومت سلوکی برداشته شد<sup>۱</sup> (Mørkholm, 1991: 128). روی سکه‌های فیلتایروس، سلوکوس اول دیهیمی باریک و بدون انتهای مشخص (Taf. Westermark, 1960: 17.5) بر سر بسته و همین امر موجب شده است که برخی از پژوهشگران آن را تاینیا در نظر بگیرند. با در نظر گرفتن این شناسایی، باید گفت که در این مورد تاینیا در واقع اشاره دارد به مقام سلطنتی سلوکوس و قهرمان‌سازی وی. از طرفی دیگر این احتمال نیز وجود دارد که پیشانی‌بند در حقیقت اشاره‌ای بوده باشد به دیهیم او. این تصویر دارای اهمیت بالایی است، چرا که بازتاب این نکته است که از سلوکوس اول، پس از مرگش، به عنوان پادشاهی قدرتمند یاد می‌شده است. موارد قابل مقایسه (با تصویر سلوکوس شاخدار)، که در زمان آنتیوخوس اول (۲۶۱-۲۸۱ ق.م) ضرب شده است، پیشانی‌بندی باریک با انتهای بلند را به تصویر می‌کشند (Westermark, 1960: Taf. 17.6). در هر دو مورد، پیشانی‌بند روی هم رفته نشانه قدرت سلطنتی است، اما در شکل دارای تفاوت‌هایی می‌باشد. سکه‌های پرگامون نیز با تصاویر و نشان‌های خود بازتاب‌دهنده پیچیدگی‌های سیاست‌های حاکمانی است که در دوران اولیه هلنیستی به دنبال استقلال بودند.

در دوران اومنیس اول (۲۶۳-۲۴۱ پیش از میلاد)، جانشین فیلتایروس، تصاویر متعلق به سلوکوس اول با تصاویری از فیلتایروس، با پیشانی‌بندی با انتهای بلند، جایگزین شد. وسترمارک<sup>۲</sup> از تاینیای فیلتایروس به عنوان نشانه‌ای برای الوهیت بخشیدن به حاکم در گذشته یاد می‌کند<sup>۳</sup> (Westermark, 1960: 21, coins V.I-V.X). با این حال، اوتو مرکهلم پیشانی‌بند او را شبیه تاینیا یا دیهیم دانسته و به نکات ظریف سیاسی اشاره دارد که در این مورد این اشارات مربوط به وضعیت سلطنتی فیلتایروس هستند (Mørkholm, 1991: 128-129). به نظر می‌رسد که این نظرات صحیح باشند؛ چرا که فیلتایروس، همانند اومنیس اول، علاقه‌مند بود تا قدرتی

<sup>۱</sup>. برای اطلاع بیشتر از سیاست‌های فیلتایروس، بنگرید به: Chrubasik, 2016: 26-30.

<sup>۲</sup>. U. Westermark

<sup>۳</sup>. او هیچ مدرکی برای تأیید فرضیه خود ارائه نمی‌کند.

مستقل داشته باشد، هر چند وابسته به سلوکیان باقی ماند.<sup>۱</sup> عنوان سلطنتی را خاندان آتالید تنها در دوران حکومت آتالوس اول (که سلطنت وی در سال ۲۴۱ پیش از میلاد آغاز شد) استفاده می‌کرد، اما با این حال ما شاهد آن هستیم که سکه‌های اومنس اول فیلتایروس را با پیشانی‌بند نشان می‌دهند و این می‌تواند نشانگر تلاش‌هایی برای کسب جایگاه پادشاهی برای مؤسس این دودمان بوده باشد. در سکه‌های بعدی اومنس اول از پرگامون، ما شاهد اصلاحاتی هستیم که به موجب آن‌ها دیهیم یا تاینیای فیلتایروس با تاجی از برگ بو ترکیب شده است (Westermarck, 1960: coins of Group III (V.XI- V.XV)). این مسئله نشان‌دهنده برداشته شدن گامی دیگر برای کسب استقلال است و البته می‌تواند با پیروزی‌های نظامی اومنس اول نیز در ارتباط بوده باشد؛ چرا که او موفق شد تا در نبردی آنتیوخوس اول را در نزدیکی سارد مغلوب کند (Strab. 13.4.2).

بررسی سیر تحولات سیاسی نشان می‌دهد که نه تنها تصویر دیهیم بلکه تصویر تاینیا، که در برخی از موارد با تاجی از برگ بو پوشانده شده است، در نمادنگاری‌های دوران اولیه هلنیستی، حاکمی مستقل را نشان می‌دهد که آرزوی پادشاهی یا تبدیل شدن به پادشاه را دارد. علاوه بر این، در دوران اولیه هلنیستی، راه‌های مختلفی برای به تصویر کشیدن دیهیم وجود داشت و ما شاهد وجود هیچ‌گونه استاندارد در این زمینه نیستیم. بنابراین این احتمال وجود دارد که برخی از حکاکان تصاویر دیهیم‌ها را از روی تصاویر مربوط به تاینیای بر جای مانده از آثار باستانی الگوبرداری کرده باشند.

در عصر آسیای هلنیستی، دیهیم یک ویژگی سلطنتی بود؛ بنابراین باید گفت که تصاویر موجود روی استاترهای آندراگوراس نشان می‌دهند که او در حقیقت برای کسب قدرت و جایگاه سلطنتی تلاش می‌کرده است. در واقع او، با ضرب سکه‌ها به نام خود، استقلال خود از حکومت سلوکی را اعلام کرد. ضرب سکه‌های طلا، به طور قطع، نشان‌دهنده تلاش‌های او برای ایجاد یک پادشاهی مستقل است. سکه‌های آندراگوراس هیچ ویژگی خاصی را نشان نمی‌دهند که بر آن اساس بتوان مرد ریش‌دار روی سکه را زئوس دانست. در نتیجه این چهره

---

<sup>۱</sup>. کروباسیک (Chrubasik, 2016: 26) معتقد است که ضرب سکه‌های مستقل توسط فیلتایروس، که تحت سلطه سلوکیان بود، را نباید مدرکی برای استقلال سیاسی او دانست.

باید متعلق به خود آندراگوراس باشد که آرزوی ایجاد حکومت پادشاهی را داشته است. بر اساس دیهیم نقش شده در تصویر، می‌توان گفت که او ظاهر مقام شاهی (سلطنتی) را به خود گرفته است، اما هیچ استفاده‌ای از عنوان سلطنتی *باسیلوس*<sup>۱</sup> را بر سکه‌هایش نمی‌توان دید. همچنین شباهت آندراگوراس با زئوس ممکن است به سر زئوس آراسته به برگ بر سکه‌های سلوکوس یکم اشاره داشته باشد، مثلاً در نمونه‌های ضرب شده در شوش<sup>۲</sup> (SC 1.1. nos 177-180).

اگر چهره‌ای که با عنوان *Andragorou* روی سکه‌ها نشان داده شده خود آندراگوراس باشد، باید این نکته را متذکر شد که وی با ریشی فراوان بر استاترها ظاهر شده که این برخلاف شیوه متداول آن زمان است که، به سبک سکه‌های متعلق به اسکندر، تصاویر را بدون ریش نشان می‌دادند. تداوم این سبک در سکه‌های دوران سلوکی متعلق به سلوکوس اول، آنتیوخوس اول و آنتیوخوس دوم نیز قابل مشاهده است. همه شاهان سلوکی در قرن سوم پیش از میلاد با چهره‌های بدون ریش به تصویر کشیده شده‌اند (Lorber / Iossif, 2009; Alonso Troncoso, 2010: 13-24). البته استثنائاتی هم از سلوکوس دوم وجود دارد که اغلب او را با ریش کامل نشان می‌دهند و نیز سکه‌هایی از برادرش، آنتیوخوس هیراکس، که البته بسیار نادر است<sup>۳</sup> (Mørkholm, 1991: 116 and 124. SC 1.1. nos 685-686). ریش گذاشتن عملی مرسوم در میان پادشاهان ایرانی بود (به استثنای دو پادشاه اول اشکانی، یعنی ارشک اول و ارشک دوم)، اما میان شاهان و حاکمان مقدونی یا یونانی چندان امری متداول نبود. دیودوتوس بلخی نیز، که از معاصران آندراگوراس بود، با چهره‌ای بدون ریش به تصویر کشیده شده است. حاکمان ایرانی پارس همچون وهبرز (یونانی: اوبورزوس) و ودفرداد اول در قرن سوم پیش از میلاد نیز با صورت‌های ریش‌دار به تصویر کشیده شده‌اند (Klose/Müselser, 2008: 34-40). برخلاف این دو نفر، سکه‌هایی از حاکمان ایرانی کاپادوکیه به نام‌های آریامن و آریاراتس سوم متعلق به

<sup>۱</sup>. *basileus*

<sup>۲</sup>. برای مشاهده سکه‌هایی با تصویر زئوس بنگرید به: SC 1.1. no. 272، ضرابخانه نامشخص شرقی که ممکن است در آی‌خانم بوده باشد، بنگرید به: SC 1.1. nos 276-283.

<sup>۳</sup>. برای بحث بیشتر درباره نمونه‌های ریش‌دار متعلق به سلوکوس دوم و آنتیوخوس هیراکس بنگرید به: SC 1.1., 250-251.

اواسط قرن سوم پیش از میلاد در دست است که با چهره‌هایی بدون ریش به تصویر کشیده شده‌اند (NPIIN 127-137). با این اوصاف، تصویر ریش‌دار آندراگوراس از سبک مرسوم عصر سلوکی جدا گشته است.

به جز استاترها، چندین چهاردرهمی شناخته‌شده از آندراگوراس نیز در دست است. این سکه‌های نقره‌ای در یک روی سر الهه‌ای با تاجی برجسته را نشان می‌دهند و در طرف دیگر، می‌توان آتنای ایستاده به سمت چپ را مشاهده نمود. نوشته یونانی ANΔΡΑΓΟΡΟΥ نیز به صورت عمودی در سمت راست قابل مشاهده است (D'iakonov/Zeimal', 1988; Olbrycht, 2013; Metzler, 1994).

تخمین تاریخ سکه‌های آندراگوراس بر اساس روش‌های سکه‌شناسی دشوار است. این نکته واضح است که این سکه‌ها در اوایل دوران پساخامنشی و پیش از شکست خوردن آندراگوراس از ارشک اول ضرب شده‌اند<sup>۱</sup> (Holt, 1999: 61, n. 39). میتچینر<sup>۲</sup> به اشتباه برای این سکه‌ها تاریخ ۳۱۵ پیش از میلاد را تعیین کرده است. تصاویر موجود روی استاترهای آندراگوراس موهای مرتب و مزین و دیهیمی باریک را نشان می‌دهند. موها به سبک ردیف موهای مجعد نشان داده شده که یادآور مدل موی ضرب شده بر چهاردرهمی‌هایی به نام آنتیوخوس دوم (۲۴۶-۲۶۱ ق.م) است. این نکته یک نشانه زمانی ارزشمند است و این احتمال را به وجود می‌آورد که سکه‌های آندراگوراس یا می‌بایست در دوران آنتیوخوس دوم و یا اندکی پس از وی ضرب شده باشند. آن‌ها در صدرروازه ضرب شده‌اند و شواهدی مبتنی بر فعالیت یک ضربخانه سلوکی در آن شهر در دست است. در حالی که برخی از این سکه‌ها در بلخ کشف شده‌اند، می‌توان دلیل این امر را ارتباط احتمالی میان آندراگوراس و دیودوتوس، ساتراپ بلخ، دانست. از آن جایی که هر دو فرماندار علیه سلوکیان به فعالیت پرداخته‌اند، می‌توان فرض کرد که شاید میان ایشان روابطی وجود داشته است. هم‌چنین برخی دیگر از سکه‌های متعلق به آندراگوراس نیز همراه با گنجینه اکسوس از یک نیایشگاه کشف شده‌اند که موارد و اشیایی با منشأهای مختلف را شامل می‌شده است.

۱. هلت این سکه‌ها را بین سال‌های ۳۲۰ تا ۲۴۰ ق.م تاریخ‌گذاری می‌کند.

۲. Mitchiner

آندراگوراس، با توجه به شواهد تاریخی مکتوب، شرح حال‌ها و شواهد سکه‌شناسی، یک فرماندار برجسته سلوکی بوده که در دهه ۲۵۰ پیش از میلاد اعلام استقلال کرده و مدتی حکومت پارت و هیرکانیا را در اختیار داشته است. حکومت آندراگوراس به ناگهان توسط ارشک اول، رهبری کوچگرد از استپ‌های ماورای کاسپی، از میان برداشته شد. به هر روی سکه‌های آندراگوراس، چه از جنس نقره و چه از جنس طلا، نشانه‌هایی از حاکمیت مستقل او هستند.

### منابع و مأخذ

- Alonso Troncoso, V., 2010, "The Bearded King and the Bearded Hero: From Philip to Alexander the Great" in: E. Carney / D. Ogden (eds), *Philip II and Alexander the Great: Father and Son, Lives and Afterlives*, Oxford, 13-24.
- Balakhvantsev, A.S., 2005, «Zagadka Andragora», *Antiquitas Aeterna* 1, 50-58.
- Bellinger, A.R., 1962, "The Coins from the Treasure of the Oxus", *Museum Notes. American Numismatic Society* 10, 51-67.
- Bivar, A.D.H., 2005, "Andragoras: Independent Successor of the Seleucids in Parthia", in: V.P. Nikonorov (ed). *Tsentral'naia Aziia ot Akhemenidov do Timuridov*, St. Petersburg, 212-214.
- Brosius, M., 1998, "Artemis Persike and Artemis Anaitis", in: M. Brosius / A. Kuhrt (eds), *Studies in Persian History: Essays in Memory of David M. Lewis*, Leiden, 227-38.
- Chaumont, M.L., 1985, "Anāhīd", in: *Encyclopaedia Iranica* 1, London, 1006.
- Chrubasik, B., 2016, *Kings and Usurpers in the Seleukid Empire. The Men who would be King*, Oxford.
- Colpe, C. (ed.), 1986, "Altiranische und zoroastrische Mythologie" in: *Wörterbuch der Mythologie*, I. Abt., Bd. IV, Stuttgart, 161-487.
- Dalton, O. M., 1964, *The Treasure of the Oxus*, London.
- de Jong, A., 1997, *Traditions of the Magi: Zoroastrianism in Greek and Latin Literature*, Religions in the Graeco-Roman World 133, Leiden.
- Diakovov, I. M. & E. V. Zeimal', 1988, Pravitel' Parfijii Andragor I ego monety, *Vestnik drevney istorii* 4, 4-19.
- Holt, F. L., 1999, *Thundering Zeus. the making of Hellenistic Bactria*, Berkeley.
- Kent, R. G., 1953, *Old Persian. Grammar, Texts, Lexicon* (New Haven, CT).
- Klose, D. O. A. & W. Müseler, 2008, *Statthalter, Rebellen, Könige. Die Münzen aus Persepolis von Alexander dem Großen zu den Sasaniden (Staatliche Münzsammlung)*, München.
- Koshelenko, G. A. & V. A. Gaibov, & A. N. Bader, 1999, "Monety Andragora kak istochnik po rannej istorii Parfijii", *Problemy istorii, fjilologii, kul'tury*, 7, 294-309.
- Krug, A., 1967, *Binden in der griechischen Kunst*, Dissertation Mainz.

- Lehmann, G. A., 1998, „Expansionspolitik im Zeitalter des Hochhellenismus: Die Anfangsphase des „LaodikeKrieges“ 246/5 v. Chr.“, in *Althistorisches Kolloquium aus Anlaß des 70. Geburtstages von Jochen Bleicken*, Stuttgart, 81-102.
- Lerner, J. D., 1999, *The Impact of Seleucid Decline on the Eastern Iranian Plateau*, Stuttgart.
- LIMC = *The Lexicon Iconographicum Mythologiae Classicae*.
- Lorber, C. & P. Iossif, 2009, “Seleucid campaign beards”, *L'Antiquité Classique* 78, 87-115.
- Metzler, D. 1994, “Mural crowns in the ancient Near East and Greece”, *Yale University Art Gallery Bulletin*, 76-85.
- Mitchiner, M., 1975, *Indo-Greek and Indo-Scythian Coinage*, Vol. 1: The Early Indo-Greeks and their Antecedents, London.
- Mørkholm, O., 1991, *Early Hellenistic Coinage: From the Accession of Alexander to the Peace of Apamea (336- 188 B.C.)*, ed. by Ph. Grierson, U. Westermark, Cambridge.
- NPIIN = M. Alram, *Nomina Propria Iranica in Nummis. Materialgrundlagen zu den iranischen Personennamen auf antiken Münzen*, Wien 1986 (IPNB IV).
- Olbrycht, M. J., 1998, *Parthia et ulteriores gentes. Die politischen Beziehungen zwischen dem arsakidischen Iran und den Nomaden der eurasischen Steppen* (Quellen und Forschungen zur Antiken Welt, Bd. 30), München.
- Olbrycht, M. J., 2013, “Andragoras - Some Remarks on the Satrap of Parthia-Hyrcania”, in: A. A. Sinitsyn & M. M. Kholod (eds.), *KOINON ΔΩPON: Studies and Essays in Honour of Valerii P. Nikonorov*, Sankt Peterburg, 242-249.
- Olbrycht, M. J., 2014, “The Diadem in the Achaemenid and Hellenistic Periods”, *Anabasis* 5, 177-187.
- Price, M. J. 1991, *The Coinage of in the Name of Alexander the Great and Philip Arrhidaeus*. London.
- SC = Houghton A., Lorber C., 2002, *Seleucid Coins: A Comprehensive Catalogue*. With Metrological Tables by B. Kritt. Pt. I: Seleucus I through Antiochus III. Vol. I—II. New York; Lancaster; London.
- Shenkar, M., 2014, *Intangible Spirits and Graven Images: The Iconography of Deities in the Pre-Islamic Iranian World*, Leiden and Boston.
- Westermark, U., 1960, *Das Bildnis des Philetairos von Pergamon*, Stockholm.
- Wolski, J., 1956/7, “The Decay of the Iranian Empire of the Seleucids and the Chronology of the Parthian Beginnings”, *Berytus* 12, 35-52.
- Wolski, J., 1975, «Andragoras était-il iranien ou grec? », *Studia Iranica* 4, 159-169.
- Wolski, J., 1969, « Das Problem des Andragoras », in: Altheim F. / Rehork J. (edd.), *Der Hellenismus in Mittelasien*, Darmstadt, 275-280.